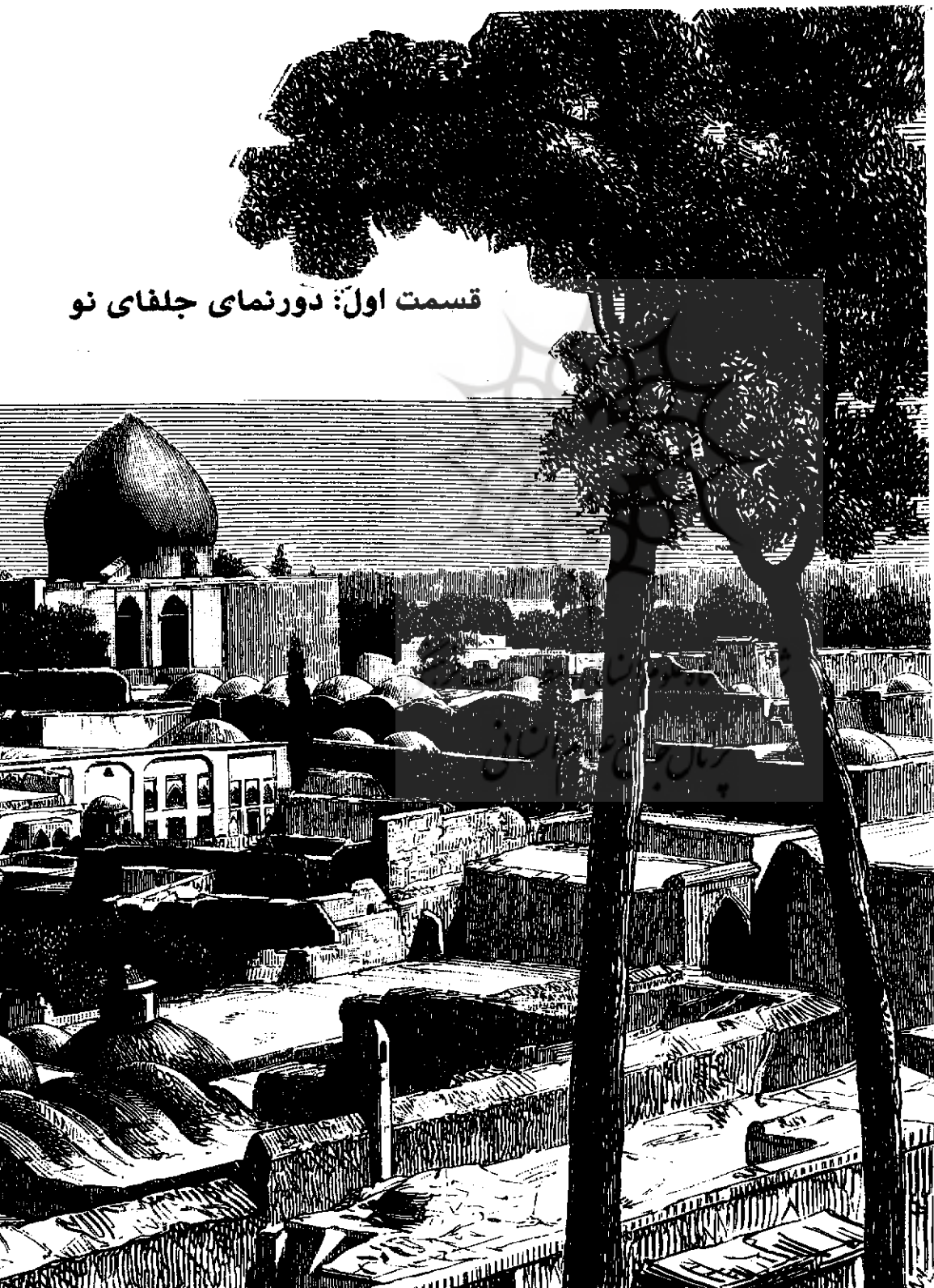


شکل‌گیری و توسعه جلفای نو در عصر صفوی

شکوه‌السادات اعرابی هاشمی*

قسمت اول: دورنمای جلفای نو



که دیوارهای باغات آن مجاور رودخانه می‌باشد... در اطراف جلفا، بخشهای دیگری است که دارای ساختمانهای زیباست که ساکنین آن نه فقط از جلفا آمده‌اند، بلکه از دیگر مناطق ارمنستان چون ایروان، نخجوان به سوی ایران کوچیده‌اند... محله تبریزی‌ها که تبریزآباد یا عباس‌آباد نامیده می‌شود، مقابل جلفاست و در آن سوی رودخانه به سمت اصفهان واقع است که از جلفا بزرگتر است اما به زیبایی آن نیست.^۲

* - دکترای تاریخ و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد.

۱- دولبه دلاند، زیباییهای ایران، ترجمه محسن صبا، تهران، انجمن دوستداران کتاب، ۱۳۴۷، ص ۶۷.

2- Thevenot, Jean, *The Travels of Monsieur de Thevenot into The Levant*, trans / Lovell, London (1680-87)

تصویر جلفای نو که از میان توصیفات سیاحان اروپایی ظاهر می‌شود، به صورت یک حومه با صفا و دارای خانه‌های زیبا که در میان باغات سرسبز واقع شده، نمود پیدا می‌کند.

«دو خیابان اصلی در طول شهر قرار دارد. طرفین یکی از آنها درختهای چنار کاشته شده و با جویباری مشروب می‌شود. جویبار به تمام کوچه‌های دیگر می‌رود و سپس برای آبیاری باغهای هر خانه از آن استفاده می‌شود. تقریباً کوچه‌ای نیست که در یک طرف، از این درختان نداشته باشد. ابنیه جلفا، مانند اصفهان است و اغلب آنان بسیار پاکیزه می‌باشد.»^۱

«شهر اصفهان حومه‌های بزرگی دارد که اشخاص ثروتمند در آن زندگی می‌کنند. بهترین و زیباترین و گرانتر از همه حومه‌ها، جلفا می‌باشد که در آن سوی رودخانه زاینده‌رود قرار دارد، به طوری



فرایر، سیاح انگلیسی که در زمان شاه سلیمان به ایران آمد، جلفا را چنین توصیف می‌کند:

«بعد از گذشتن از قصرهای شاهی، به دروازه بزرگی می‌رسیم که دارای خیابان درازی است و در دو طرف آن درختان بلند چنار مانند سروهای قدبرافراشته کاشته شده، به طوری که ریشه‌هایشان در جویهای آب فرو رفته است.»^۳

جملی کارری در سال ۱۶۹۴م / ۱۱۰۶ق به باغهای سرسبز جلفا اشاره می‌کند که از دور چون جنگلی می‌نماید. بیرون خانه‌های شهر محقر و ناچیز ولی درون آنها مجلل و آراسته است. کوچه‌ها همه منظم و سراسر است و به مراتب تمیزتر از کوچه‌های اصفهان است و در اغلب کوچه‌ها دورده چنار کاشته شده که در وسط آنها جوی پرآبی قرار دارد...^۴

کمپفر در سال ۱۶۸۴م / ۱۰۹۶ق «حومه جلفا را به سبب وسعت و خیابانهای بزرگ و دراز خود از بقیه ممتاز می‌داند.»^۵ و پیتر و دلاواله در سال ۱۶۱۷م / ۱۰۲۶ق این محله را با محله گبرها مقایسه می‌کند و می‌نویسد:

«محله گبرها بسیار زیباست و خیابانهای عریض و مستقیم آن زیباتر از خیابانهای جلفاست، زیرا بعداً با شیوه صحیح‌تری ساخته شده است ولی برعکس جلفا، خانه‌ها جملگی محقرند و در حقیقت با وضع ساکنین خانه تناسب دارند، زیرا گبرها همه فقیرند و یا چنین وانمود می‌کنند و بیشتر آنان بزرگران و دهقانانی هستند که با زحمت بازوی خود، نانی فراهم می‌آورند.»^۶

گرنلیوس دو بروین در سال ۱۷۰۴م / ۱۱۱۶ق تعدادی از خانه‌های زیبای تجار ارمنی مقیم جلفا را توصیف می‌کند از جمله خانه خواجه میناس، خواجه هایگاز، لوکاس، ارجیت آقا، خواجه سرفراز، خواجه آگامات، خواجه آوانس و خواجه مرسا.^۷

وی می‌نویسد: «این خانه‌ها دارای تالارهای زیبا، منقوش به تابلو و دارای تراس بزرگ می‌باشد. داخل خانه‌ها، بسیار تمیز، کف اتاقها مفروش به فرشهای زیبا و دارای صندلیهای مزین به آب طلا و نقره می‌باشد. در جلویی، ورودی این خانه‌ها،

عمداً کوچک می‌باشد تا مانع ورود سواره نظام به داخل خانه شوند و هم اینکه بزرگی و جذابیت درون خانه را از انظار عامه مخفی نگه دارد.»

سپس به وصف خیابانهای این شهرک «با درختان زیبای چنار کاشته شده در فواصل منظم» می‌پردازد.^۸

تعداد خانه‌های جلفا در زمان دیدار شاردن، یعنی بین سالهای ۱۶۶۵ تا ۱۶۷۷ میلادی (۱۰۸۸-۱۰۷۶ق) بالغ بر سه هزار و چهارصد تا سه هزار و پانصد واحد بود: «بیشتر خانه‌های خوب و مجلل در امتداد رودخانه ساخته شده، برخی از آنها زرنگار و چنان باشکوه و عالی است که می‌توان آنها را در ردیف قصرها و کاخهای سلطنتی به‌شمار آورد.»^۹

3- Fryer', John, "A new account of East India and Persia being Nine years' Travels" (1672-1681), ed: William Grooke, 3Vol, London, Hakluy Society, 1967, Vol II, P/252.

۴- جملی کارری، سفرنامه، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، آذربایجان شرقی، اداره کل فرهنگ و هنر، ۱۳۴۸، ص ۹۹.

۵- انگلبرت کمپفر، سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانمندی، ج ۳، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳، ص ۱۸۶.

۶- پیتر و دلاواله، سفرنامه دلاواله، ترجمه شعاع‌الدین شفا، ج ۲، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰، ص ۷۸.

7- Cornelius Brun de, "The Travels of Cornelius de Brun", Through Muscovy and Persia to the East India, 2 Vol, translated from the France, London, 1737, P/324.

8- Brun, Cited, P/324-5

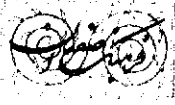
جهت اطلاع بیشتر درباره معماری خانه‌های جلفا به کتب ذیل مراجعه شود:

Karapetian, Karapet: "Esfahan, New Julfa", ISMEO ROME, 1974.

Garswel, John, "New Julfa". The Armenian Churches and other Buildings, oxford, clardon press, 1968

هم‌اکنون فقط تعداد کمی از خانه‌های زیبای جلفا باقی مانده است از جمله خانه خواجه پطرس، و بیشتر زیبایی جلفا را می‌توان از روی کلیساهای باقی مانده، دریافت.

۹- شاردن، سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، ۵ جلد، تهران، توس، ۱۳۷۲-۷۵، ج ۴، ص ۱۵۶۹.



به گفته شاردن: «جلفا شاید بزرگترین حومه‌های شهرهای جهان باشد. زیرا سرزمینی به طول یک فرسنگ و عرض یک فرسنگ و در کنار رود گسترده شده است.»^{۱۵}

موقعیت طبیعی جلفا، قبل از اسکان آرامنه به صورت زمین هموار و مسطح کشاورزی بوده و جزو املاک خالصه سلطنتی به شمار می‌رفته است. شاه عباس اول در سال ۱۶۰۶ م / ۱۰۱۴ هجری به آرامنه جولاه اجازه داد در اراضی آن طرف رودخانه به طور موقت به عنوان میهمان اقامت کنند و سپس طبق فرمان مورخ ۱۰۲۸ هجری رسماً مالکیت آن مناطق را به کسانی که در آنجا زندگی می‌کردند و خانه ساخته بودند، واگذار نمود و نام این منطقه به یادبود جلفای ارس به جلفای نو معروف شد. نقشه بنای جلفا، با توجه به آنکه قبلاً زمین مسطح کشاورزی بوده، جهت طرح افکنی به شیوه زیبا، مناسب بوده است.

خیابان اصلی این شهرک که از مشرق به مغرب کشیده شده، به طول ۳۲۷۶ گام و پهنای ۱۶ گام، به «خیابان نظر»^{۱۶} معروف است. در ابتدا و انتهای خیابان نظر دو دروازه به نام دو خانواده سرشناس جلفایی، وجود داشت: در غرب، درب سرافرازیان

۱۰- دُن گارسیا دُسیلوا فیگوترا، سفرنامه دن گارسیا، ترجمه غلامرضا سمیعی، ج ۱، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳، ص ۲۲۳.

۱۱- ژان باتیست تاورنیه، سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، با تجدید نظر کلی حمید شیرانی، تهران، ۱۳۳۶، ص ۴۰۰-۳۹۳.

۱۲- حیدرعلی ندیم‌الملک اصفهانی، تاریخ مختصر اصفهان (تألیف در سال ۱۳۴۵ ه. ق)، به کوشش: ایرج افشار، فرهنگ ایران‌زمین، ش ۱۲، ص ۱۵۰ و نیز رک: حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، تاریخ اصفهان، تصحیح و تعلیق، جمشید مظاهری، ج ۱، اصفهان، مشعل، ۱۳۷۸، ص ۴۱۷.

۱۳- تاورنیه، سفرنامه، ص ۳۹۳.

۱۴- جونس هنوی، هجوم افغان و زوال دولت صفوی، ترجمه دکتر اسماعیل دولت‌شاهی، ج ۱، تهران، یزدان، ۱۳۶۷، ص ۱۱۲، و نیز رک: کاری، سفرنامه، ص ۱۰۰.

۱۵- شاردن، سفرنامه شاردن، ج ۴، ص ۱۵۶۷.

۱۶- خیابان نظر، منسوب به خواجه نظر.

دن گارسیا در سال ۱۶۱۸ م / ۱۰۲۸ ق نیز درباره خانه‌های جلفا می‌نویسد: «... در بخشهایی از این دو مهاجرنشین که مجاور رودخانه قرار گرفته‌اند، خانه‌های بسیار بزرگ وجود دارد که تعدادی از آنها را سکنه ثروتمند شهر و بیشترشان را سلطانها یا وزرای معتبر یا دیگر نوکران شاه با مخارج گزاف برای خوش خدمتی و در حقیقت خشنودی وی ساخته‌اند و به واقع هم اینجا از بهترین امکنه و زیباترین مناظر دنیاست.»^{۱۰}

تاورنیه که در سالهای ۱۶۲۹ م / ۱۰۳۸ ه و ۱۶۷۵ م / ۱۰۸۶ ه از ایران بازدید کرده، به مسیر عبور اصفهان به جلفا اشاره می‌کند که: «قشنگترین و مصفاًترین راههای اصفهان و تمام ایران است» و سپس در جای دیگر مانند دولیه دولاند می‌نویسد: «دو خیابان عمده در طول جلفا واقع شده که یکی از آنها از دو طرف به درختان چنار مزین است و در زیر آنها نهری جاری است که سبب خنکی و لطافت هوای خیابان است و همه آرامنه به نوبه و به ترتیب معین آب آن را برای آبیاری به باغات خود می‌برند. سایر کوچه‌های جلفا اغلب نهر آب و یک ردیف درخت دارند. خانه‌های جلفا عموماً قشنگتر و باروح‌تر از خانه‌های اصفهان بنا شده‌اند.»^{۱۱}

در قرون بعد هم جلفا زیبایی خود را حفظ کرده است، به طوری که در «تاریخ مختصر اصفهان» آمده است: «... و بهترین نقاط شهر است، از جهت سلامت هوا و آب و صفا و نظافت و مزین به درخت و سبزه، مشتمل بر خانه‌های نظیف و مغازه‌های جدید و کلیساهای عالی و چند محله...»^{۱۲}

تقسیمات محلی جلفای نو

جلفا در سمت جنوب اصفهان، در آن سوی رودخانه زاینده‌رود قرار دارد. تاورنیه، فاصله این شهرک تا اصفهان را، نیم ساعت راه پیاده و در دو میلی آن ذکر می‌کند.^{۱۳}

جونس هنوی که در سالهای بین ۱۷۴۳ م / ۱۱۵۶ ه و ۱۷۴۸ م / ۱۱۶۱ ه از ایران بازدید کرده است، جلفا را در یک میل و نیمی جنوب اصفهان و وسعت آن را سه میل برآورد می‌کند.^{۱۴}



جوبیارهایی روان بود که جهت آبیاری باغ و باغچه از آن استفاده می‌کردند. در کنار این جوبیارها، درختهایی کاشته شده و کوچه‌ها در تابستان به شکل باغات در می‌آمدند.^{۲۲}

محلات جلفای قدیم عبارت‌اند از: میدان بزرگ، میدان کوچک یا کوچه شیرکخانه، چهارسوق (چهارسو)، هاکیوجان (محلّه حصیرباف‌ها) و قاراگل (قینان).

۱۷- هوهانیاتس، هاروتون تر، تاریخ جلفای اصفهان، جلد ۲، جلفای نو، ۱-۱۸۸۰م، ج ۱، ص ۳۹-۴۰، کتاب فوق به زبان ارمنی نوشته شده و هم‌اکنون آنرا لئون میناسیان و موسوی فریدنی به فارسی ترجمه کرده‌اند و در دست انتشار است و نیز ر.ک:

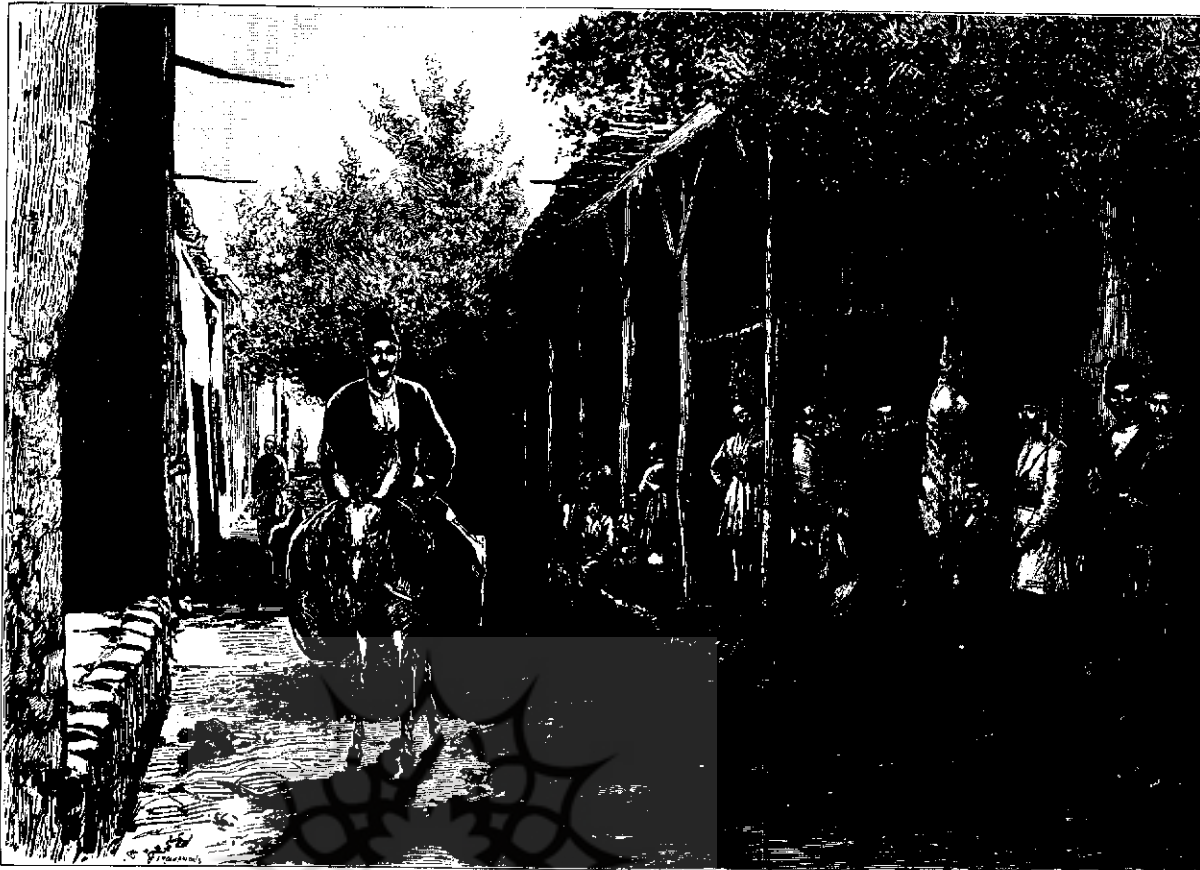
A Chronicle of Carmelites in Persia... , 2 vol, London, 1939, vol I, P/318.

۱۸- شاردن، سفرنامه، ج ۴، ص ۱۵۶۷ و نیز ر.ک: هوهانیاتس، تاریخ جلفای اصفهان، ج ۱، ص ۴۰.
۲۲- ۲۰ تا ۲۳، تاریخ جلفای اصفهان، ص ۲۷۷.

از ارمنیان گریگوری و در شرق، درب شهرمیانان، از ارمنیان کاتولیک، که هنگام شب برای جلوگیری از ورود خارجیان به شهر، این دو دروازه بسته می‌شد.^{۱۷} جلفای نو از نظر تقسیمات محلی، خود به دو منطقه جدید و قدیم تقسیم می‌شود.^{۱۸}

جلفای قدیم، قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین قسمت جلفای نو است که سکنه آن به‌طور عمده ارامنه جولاه می‌باشند و از نظر جغرافیایی، به گفته مؤلف «تاریخ ارامنه جلفا»، پهنای شهرک نوآباد از کنار رودخانه زاینده‌رود تا چهارسو [سنگتراشها] و درازای آن خیابان نظر می‌باشد.^{۱۹}

منطقه مذکور به ده بخش تقسیم می‌شد، به طوری که هر بخش باکوچه‌ای پهن که نام یکی از سرشناسان آن محل را بر خود داشت،^{۲۰} به خیابان نظر پیوند می‌یافت. ده کوچه طبق تناسب، حدود محله را معین می‌کرد. خانه‌های طبقات متوسط در داخل کوچه بوده و افراد مرفه در کنار رودخانه منزل داشتند.^{۲۱} در کوچه‌های دهگانه جلفای قدیم،



RUE DE DJOJFA

بان (سربازان) بانام دیوانه

به محله حصیرباف‌ها مشهور می‌باشد، کلیسای استپانوس مقدس قرار دارد. خانه‌های آنجا مانند کاخ بوده و چون قبر ها کوپجان، یکی از ثروتمندان این محله در کلیسای تابستانی واقع است به این نام معروف می‌باشد.^{۲۴}

جلفای جدید، قسمت جدید جلفاست. شاردن درباره تقسیم جلفای اصفهان به دو منطقه جدید و قدیم می‌نویسد: «آبادی جلفا یکی از توابع نزدیک اصفهان است و ساکنان آن همه ارمنی می‌باشند که از ارمنستان بدانجا کوچانده شده‌اند. اما همه از یک آبادی گرد نیامده‌اند و به دو کلنی تقسیم می‌شوند: دسته اول که مهمتر نیز می‌باشند از شهرک جلفای ارمنستان واقع در کنار رود ارس بدین مکان کوچ کرده‌اند و این آبادی را بنا نهاده‌اند و به یاد موطن اصلی خویش آن را جلفا نامیده‌اند و سپس به تدریج و به خصوص اخیراً آرامنه مقیم شهر نیز

در زمان حیات مؤلف «تاریخ آرامنه جلفا» نیمه دوم قرن ۱۹ م/ ۱۳ هـ محلات جلفای قدیم که در مجاورت رودخانه قرار داشت، به صورت ویرانه درآمد و فقط در کوه‌ای به نام غریب که کلیسای گئورگ مقدس در آن واقع است، پنج خانوار ارمنی زندگی می‌کردند.^{۲۳}

میدان بزرگ، منحه‌ای است که در آن سه کلیسای وانک، مریم مقدس و بتلهم قرار دارد. در میدان کوچک، کلیسای گریگور منور واقع شده، چهارسو، محله معروف دیگری است که در میانه محلات ارمنی نشین قرار دارد. کلیسای آن یوحنا، هوانس مگردیچ، و در مجاورت آن دیر راهبه‌ها قرار دارد.

قاراکل (قینان) کوچکترین محله جلفای قدیم است. به گفته هوهانیاتس ساکنان این محل از محلات دیگر فقیرترند و کلیسای نیکوگایوس مقدس در آنجا واقع است.

«در بخش شمالی چهارسو، محله ها کوپجان که

۲۴- همان، ص ۲۷۸.

۲۳- همان، ص ۲۸۱.

ناچار شده‌اند بدانجا انتقال یابند. از این‌رو در پایان آبادی جلفا، خانه‌هایی برای سکونت خویش بنا کرده‌اند. از اجتماع این خانه‌ها، چهار محله جدا از هم پدید آمده که یکی به نام کوی ایروانی‌ها، دیگری به اسم محله نخجوانی‌ها نامیده می‌شود. دو محله دیگر به نام کوی شمس آباد و شیخ‌بنا معروف است، زیرا مردم آن از دو آبادی شمس آباد و شیخ‌بنای اصفهان بدانجا کوچیده‌اند. گبرها، در دیگر انتهای جلفا سکونت دارند و تهیدستی آنان مورد تأیید همگان است.^{۲۵}

همین نویسنده در جای دیگر، دو منطقه قدیم و جدید جلفا را با هم مقایسه می‌کند:

«کوچه‌های جلفای نوراست‌تر و پهن‌تر و مشجرند، اما بناهای آن به شکوه و زیبایی عمارات جلفای کهنه نیست، چون ساکنانش نه دارایی بسیار دارند و نه مورد توجه و حمایت حکومت می‌باشند. در فصل زمستان در تمام کوچه‌ها شب و روز آب جریان دارد، اما در فصل تابستان در هر هفته فقط چند روز آب در آنها روان می‌باشد.

در سراسر جلفای نو و کهنه، پنج کوچه به موازات هم کشیده شده، و دارای چند کوچه عرضی است که در آنها چند میدان، چند بازار و گرمابه و کاروانسراهای کوچک وجود دارد.^{۲۶}

جی. دو تیه ونو (Thevenot)، سیاح فرانسوی، بدون هیچ‌گونه دسته‌بندی مشخص، محلات جلفا را به بخشهای: ایروان، نخجوان، شیخ‌صابان، سیروکانیان (Sirou-Kanian?)، گبران، سیجان و مارنان تقسیم‌بندی نموده است.^{۲۷} باید توجه داشت که محلات مارنان و سیجان از محلات قدیمی مسلمان‌نشین بوده است.

کرنلیوس دو بروین، نیز در تقسیم‌بندی جلفا به دو منطقه جدید و قدیم، چنین نوشته: «در جلفای قدیم، تجار سرشناس ارمنی زندگی می‌کنند... محلات جلفای جدید عبارت‌اند از: ۱- محله سنگ‌تراش‌ها که به گبرآباد و کوچر^{۲۸} معروف است. ۲- محله سکونت صنعتگران و افزارمندان که تعدادی از ایرانیان و فرنگیان در آن سکونت دارند. ۳- شمس‌آباد یا دشتی‌ها که از

محلات قدیمی به همین نام آمده‌اند و آنها نیز صنعتگر و تاجرند. ۴- ایروانی‌ها ۵- نخجوانی‌ها ۶- شیخ‌صابان ۷- گاسک

در سه منطقه آخری، طبقات فرودست ارمنی زندگی می‌کنند. جلفای قدیم دارای دو هزار خانوار و بزرگتر از جلفای جدید است و اهالی آن متمول‌تر می‌باشند.^{۲۹}

هوهانیانتس به‌طور واضح، محلات جلفای جدید را به‌صورت ذیل دسته‌بندی نموده است: «سنگ‌تراش‌ها، تبریزی‌ها، ایروانی‌ها و گاسک»^{۳۰}

محله سنگ‌تراش‌ها که اهالی آن بیشتر به سنگتراشی اشتغال داشته‌اند، سابقاً فقط محل سکونت گبران (زرتشتیان) بوده است. در سفرنامه کرنلیوس دو بروین درباره محله سنگ‌تراش‌ها چنین آمده: «اولین منطقه جلفاست که در قسمت جنوبی آن قرار دارد و تنها یک خیابان دراز است که ساکنان آن به‌طور عمده گبران می‌باشند.»^{۳۱}

دومین محله جدید جلفا، تبریزی‌هاست که به «محلات» هم معروف می‌باشد. در ابتدا ساکنان این محله، تبریزی‌ها، با اهالی کوچنده از منطقه داشت^{۳۲} ارمنستان، در داخل شهر اصفهان زندگی می‌کردند. به همین دلیل محله تبریزی‌ها به دشتی‌ها مشهور می‌باشد.

در سال ۱۰۶۵هـ/ ۱۶۵۵م به فرمان شاه‌عباس دوم، آرامنه دشتی ساکن اصفهان به جلفا منتقل

۲۵- شاردن، سفرنامه، ج ۵، ص ۱۶۸۹ و ج ۴، ص ۱۵۶۹.

۲۶- همان، ج ۴، ص ۱۵۶۷.

27- Thevenot, Jean. "The Travels of Mosieur de Thevenot into the levant", P/ 79.

۲۸- «کوچر» نام دیگر محله سنگتراش‌ها به ارمنی است. از واژه «کوچ» فارسی می‌آید، چون ساکنان آن بعد از دیگران به این منطقه کوچ کردند، لذا به این نام معروف شدند.

29- Brun, Cornelius de, "The Travels of Cornelius de Brune", p/ 323-324.

۳۰- هوهانیانتس، تاریخ جلفای اصفهان، ص ۴۰۰.

31- Brun, Cornelius, "The Travels of Cornelius de Brune", p/ 324.

۳۲- یکی از شهرهای ارمنستان: dasht

شدند^{۳۳} و در سال بعد یعنی ۱۰۶۶ هـ، ایروانی‌های مقیم در پایتخت، همگی به آن سوی رودخانه ملحق شدند و تشکیل محلات جدید جلفا را دادند.^{۳۴}

تاورنیه دربارهٔ تشکیل محلات جدید جلفا چنین می‌نویسد: «پس از آنکه آرامنه به آبادی جلفا پرداختند، آرامنهٔ تبریز و ایروان و جاهای دیگر هم به طیب‌خاطر آمده، در آنجا متوطن شدند و از ده دوازده سال به این طرف، عدد سکنهٔ جلفا به واسطهٔ طوایف مختلف مسیحی زیاد شده است. این مسیحیها در دهات و محلات دوردست منزل داشتند و شاه میل کرد که آنها هم بیایند آن طرف رودخانه نزدیک آرامنه برای خود محله‌ای ایجاد کنند. آنها نیز زیردست جلفا در کنار رودخانه، از سمت جنوب غربی به قدری که زمین لازم داشتند، متصرف شده، محلهٔ خود را ایجاد نموده، به ساختن عمارات و باغهایی پرداختند.»^{۳۵}

توسعهٔ ارضی جلفای نو بر مبنای فرامین شاهان صفوی

فرامین متعددی جهت واگذاری اراضی آن‌سوی رودخانهٔ زاینده‌رود که جزو املاک شاهی (خاصه، خالصه) محسوب می‌شد، به آرامنه صادر، و رشد و توسعهٔ کوچ‌نشین جلفا آغاز گردید:

اولین فرمان واگذاری رسمی زمین در ماه شوال سال ۱۰۲۸ هـ / ۱۶۱۸ م از سوی شاه‌عباس صادر شد: «حکم جهانمطاع شد، آنکه درین وقت بنا بر عنایت بی‌غایت شاهانه و شفقت بلانهایت پادشاهانه دربارهٔ آرامنه جولاه و ترفیه حال ایشان، اراضی واقعه در کنار رودخانهٔ زاینده‌رود دارالسلطنهٔ اصفهان که ایشان در آنجا خانه ترتیب داده‌اند و ملک نواب همیون ماست، به انعام ایشان شفقت فرموده، ارزانی داشتیم. مستوفیان عظام گرام دیوان، زمین مذکور را از ملکیت دیوان برطرف ساخته، به انعام آرامنهٔ مذکور در دفاتر عمل نمایند. وزیر و کلانتر و عمال اصفهان حسب‌المسطور مقرر دانسته از فرموده در نگذردند و زمین مذکور را به انعام ایشان مقرر نمایند.»^{۳۶}

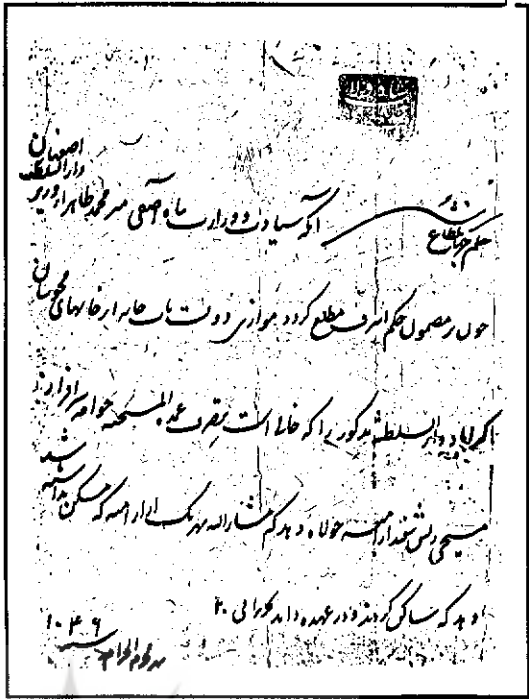
در سال ۱۰۳۳ هـ / ۱۶۲۳ م فرمانی دیگر از سوی

شاه‌عباس به وزیر دارالسلطنهٔ اصفهان در خصوص واگذاری اراضی‌یی که تعلق به سرکار خاصه شریفه داشته و قبلاً به آرامنه اهداء شده بود، اما ساکنان بومی محل مانع از تصرف آنها شده بودند، صادر می‌شود:

«حکم جهانمطاع شد آنکه سیادت و وزارت پناه علیه عالییه وزیر دارالسلطنهٔ اصفهان بدانند که کدخدایان چون به عرض اقدس رسانیدند که حصهٔ ملکی سرکار خاصه شریفه واقعه در محل مذکوره ذیل: [خواننده نشد]، قینان‌چی که به جماعت مذکوره به موجب رقم علیحده شفقت فرموده‌ایم، بعضی از آن‌را به تصرف ایشان نداده، رعایای آنجا متصرف‌اند. بنابراین مقرر فرمودیم که آن سیادت و وزارت‌پناه در حضور رفعت فضیلت‌پناه آقا‌حسین مستوفی سرکار خاصه شریفه و گماشته دیوان‌الصداره علیه‌العالیه و مستوفی دارالسلطنه مذکور به حقیقت رسیده، آنچه از جمله املاک محال مذکوره که به مردم جولاهه شفقت فرموده‌ایم و رعایا به تصرف ایشان نداده، پس باید که مال از ایشان گرفته به تصرف کدخدایان و رعایای جولاهه که جهة خود منازل بسازند و درین باب قدغن دانسته، در عهد شناسند.»^{۳۷}

در سال ۱۰۳۸ هـ / ۱۶۲۸ م جانشین شاه‌عباس، شاه‌صفی، فرمانی در تأیید فرمان پدرش صادر می‌کند مبنی بر آنکه برای گرفتن مالوجهات^{۳۸} از اراضی‌یی که به آرامنه واگذار شده، به آنها مزاحمتی نرسانند:

- ۳۳- آراکل تبریزی، تاریخ آراکل، ایروان، ۱۹۸۸، ص ۳۵۲. (کتاب فوق به زبان ارمنی نوشته شده است)
- ۳۴- آراکل، پیشین، ص ۳۵۵.
- ۳۵- تاورنیه، سفرنامه، ص ۴۰۸.
- ۳۶- فرمان شمارهٔ ۸ از مجموعه فرامین پادشاهان صفوی موجود در کلیسای وانک.
- ۳۷- فرمان شمارهٔ ۱۳ از مجموعه فرامین پادشاهان صفوی موجود در کلیسای وانک.
- ۳۸- مالوجهات، مرکب از «مال» و «جهات» به معنی عایدی املاک و اراضی دولتی می‌باشد.



اشرف مطلع گردد، موازی دویست باب خانه از خانه‌های مجوسان گبرآباد دارالسلطنه مذکور را که خالی است به تصرف عمدةالمسیحیه خواجه سرافراز مسیحی، ریش‌سفید ارامنه جولاه دهد که مشارالیه به هر یک از ارامنه که مسکن نداشته باشد، دهد که ساکن گردند و در عهده داند.»^{۴۱}

اگر چه زمینهای واگذار شده به ارامنه، با اجازه و حمایت رسمی حکومت انجام می‌گرفت، اما سکونت ارامنه در زمینهای مزبور با مشاجرات و منازعات محلی توأم بود.

شاه عباس و جانشین اش شاه صفی، دو فرمان به ترتیب مورخ ۱۰۰۱ هـ و ۱۰۴۴ هـ درخصوص منازعات محلی رعایای قینان چی با اهالی بومی ماریانان بر سر استفاده از آب و حمایت از اهالی قینان و ارامنه صادر می‌کنند:

«فرمان همیون شد آنکه چون رعایای محله قینان چی^{۴۲} دارالسلطنه اصفهان که تعلق به سرکار خاصه شریفه دارد، نموده‌اند که رعایا موضع ماریانان چی، بعضی املاک که بایر بوده، دایر ساخته‌اند و از نهر محله مزبور به خلاف حق و حساب شرب می‌نمایند و از این رهگذر نقصان کلی به مزروعات ایشان می‌رسد و حکم نواب جنت‌مکان، فردوس آشیان بر طبق آن گذارده بوده‌اند، مضمون آنکه چون رعایا موضع ماریانان را حقایبه در نهر محله قینان نیست، خواجه نعمت‌الله وزیر بررسی نماید که از چه مانع آب مزبور را تصرف نموده‌اند و حق‌المیاه آن‌را از آن تاریخ به تحصیل مرشد قلی‌بیک، قورچی قاجار دهد که بازیافت نماید و سندی که درین باب

«حکم جهانمطاع شد آنکه چون حکم نواب جنت‌بارگاه فردوس آرامگاه صادر گشته که وزیر و کلانتر و مستوفی دارالسلطنه اصفهان چون مالوجهات و وجوهات اراضی محالی که به جماعت ارامنه جولاهیه داده شده که عمارات ساخته‌اند و آنچه خود نیز خریداری نموده‌اند و قبالجات ظاهر سازند از تاریخی که مالشان داده شد و خریداری نمودند از حشو محال مذکوره وضع نموده، حواله و اطلاقی‌های معماری مقرر فرمودیم که وزیر و کلانتر و مستوفی دارالسلطنه مذکور حسب‌المسطور مقرر دانسته، به علت مالوجهات و وجوهات اراضی مذکور، مزاحمت به مال ارامنه مزبور ننمایند و درین باب قدغن دانسته، هر ساله حکم مجدد طلب ندارند و چون رقم به مهر مهرآثار اشرف شد، اعتماد نماید.»^{۳۹}

شاه صفی در سال ۱۰۴۶ هـ در فرمانی به میرزا محمدظاهر وزیر دارالسلطنه اصفهان، دویست باب از خانه‌های محله گبرآباد، را به ارامنه‌ای که مسکن نداشته، واگذار می‌کند.^{۴۰}

«حکم جهانمطاع شد، آنکه سیادت و وزارت‌پناه اصفی میرمحمدظاهر، وزیر دارالسلطنه اصفهان چون بر مضمون حکم

۳۹- فرمان شماره ۱۶، شاه‌عباس ثانی نیز مجدداً فرمان فوق را تأیید می‌کند (فرمان شماره ۴۱).

۴۰- فرمان شماره ۲۸.

۴۱- فرمان شماره ۲۸، از مجموعه فرامین پادشاهان صفوی موجود در کلیسای وانک.

۴۲- رعایای محله قینان چی، همان ارامنه‌ای بودند که از سوی شاه‌عباس، اراضی این محله به آنها واگذار شد.



خواجه نعمت‌الله مشارالیه به اسم رعایای ماریبانان مصدق قول رعایا قینان ظاهر ساختند. بنابراین مقرر فرمودیم که رعایای موضع ماریبانان اصلاً و مطلقاً پیرامون شهر مزبور نگشته، به هیچ وجه من‌الوجه از آنجا شرب ننمایند و فراسخی که آب از نهر محله مزبور به مزروعات خود برده‌اند، حق‌المیاه آنرا موافق معمول آن ولایت تسلیم رعایای موضع مزبور نمایند. به عهده امارت شعار، رفعت دستگاه، کمترین تکشربیک که درین باب امداد نموده و آنچه حق‌المیاه ایام تصرف شود از رعایای موضع ماریبانان دریافت کرده، تسلیم رعایای قینان نمایند و من بعد نگذارد که رعایا موضع ماریبانان پیرامون نهر مزبور گردند. درین باب قدغن و تخلف نورزند و هر ساله حکم مجدد طلب ندارند.»^{۴۳}

بیشترین توسعه و گسترش ارضی جلفا، در زمان شاه‌عباس ثانی صورت گرفت و این امر زمانی تحقق یافت که فرمان تخلیه شهر اصفهان از ارامنه و انتقال آنها به آن سوی رودخانه زاینده‌رود داده شد. در پی صدور فرمان شاه، ابتدا ارامنه دشتی ساکن در محله شمس‌آباد و سپس ایروانی‌های مقیم در محلات تخت قاراج و باغات و دیگر ارامنه تلواسکان و شیخ‌یوسف بنا، همگی به سمت غرب جلفا منتقل شده و تشکیل محلات جدید جلفا را دادند.

در کتیبه‌ای در کلیسای سرکیس مقدس، آمنابرکیج^{۴۴} واقع در محله ایروانی‌ها، چنین آمده: «شاه‌عباس اول [ما را اسیر کرد و با زجر و زحمت به غربت آورد. به کشوری بیگانه به سال ۱۰۵۳ ارمنی (۱۶۰۴ م / ۱۰۱۲ هـ)، اول ماه نواسارد ارمنی بود که ما را از مملکت آرازات راندند و به طارم و خلخال و اهر و مشکین آوردند.

چون زمستان سپری گشت و روزهای بهاری فرا رسید به شهری آوردند که اصفهانش می‌خوانند... و در کنار نارین قلعه سکونت داد و به خواست خدا آنجا خانه و کلیسا ساختیم... و نام آن را آمنابرکیج گذاشتیم... و به لطف الهی از آنها بهره بردیم تا عهد شاه‌عباس بعدی، ۵۱ سال بعد که دوباره خداوند به

قوم ارمن رحم کرد و دل شاه را نرم کرد تا فرمان داد ارمنیان را از داخل شهر از میان مسلمانان خارج کنند و در جای مناسبی کنار زاینده‌رود در غرب جلفا که ماریبان می‌خواندند، اسکان دهند، که در عهد کاتولیکوس اعظم ارمنیان هاگوپ و پیشوای مذهبی جلفا و ایالت ما اسقف اعظم داوید به سال ۱۱۰۵ ارمنی (۱۶۵۶ م / ۱۰۶۶ هـ) به قوه الهی در اینجا خانه‌های زیبا، باغها، باغچه‌ها و گلستانها ساختیم... و کلیسایی پی افکندیم...»^{۴۵}

به گفته آراکل، در سال (۱۶۵۹ م / ۱۰۶۹ هـ) ارامنه همگی از مرکز شهر خارج شده و در محلات جدید جلفای نو اسکان پیدا کردند.^{۴۶} اکنون، در این زمان، تنها محل اقامت دائمی جماعت مسیحی در پایتخت صفویه، جلفا بود^{۴۷} و فقط تعداد

۴۳- فرمان شماره ۱۱، شاه‌صفی نیز مجدداً در تأیید فرمان شاه‌عباس درخصوص عریضه رعایای قینان‌چی، فرمان شماره ۲۶ را صادر می‌کند.

۴۴- آمنابرکیج: ناجی همگان.

۴۵- هوهانیانس، تاریخ جلفای اصفهان، ج ۲، ص ۲۱۸.

۴۶- آراکل، تاریخ آراکل، ص ۳۵۵.

۴۷- همان.

محدودی از دیپلمات‌های اروپای غربی، نمایندگان کمپانی هند شرقی، تجار و مسیونرها در داخل شهر زندگی می‌کردند. در زمان دیدار شاردن، تعداد ارمنیان مقیم اصفهان پانصد نفر بود و آرامنه فقط برای دادوستد به شهر رفت‌وآمد می‌کردند.

بدین ترتیب با انتقال ارمنیان داخل شهر به حومه جلفا، محلات ایروانی‌ها و تبریزی‌ها به وجود آمد و باعث گسترش اراضی جلفا گردید.

در سال ۱۰۵۹ هـ. شاه‌عباس ثانی فرمان واگذاری اراضی واقع در منطقه سیچان و مارنان که قبلاً در زمان شاه‌عباس اول به آرامنه واگذار شده اما رعایای محال مزبور مانع تصرف شده بودند را صادر می‌کند، در قسمتی از این فرمان چنین آمده:

«... وزیر و قاضی دارالسلطنه مذکور در حضور گماشته سادات و صدارت‌پناه رفیعا محمداً، صدر سابق و مستوفی سرکار خاصه شریفه، به حقیقت حصص معینه واقعه در محال مزبوره که تعلق به سرکار خاصه شریفه داشته، و به جماعت مذکوره رقم علیحده شفقت فرموده‌ایم که جهت خود منازل بسازند. و به عرض رسانیدند که رعایای محال مزبور بعضی از حصص مذکور را متصرف شده، به ایشان نداده‌اند، رسیده، آنچه از املاک سرکار خاصه شریفه که رعایا متصرف شده باشند، موافق شرع شریف از تصرف ایشان انتزاع نموده، به تصرف کدخدایان مذکور دهند...»^{۴۸}

در زمان شاه‌عباس دوم، نود جریب از اراضی ماریانان حسب‌الامر عمال دارالسلطنه اصفهان به جماعت جولاهی شفقت شده که منازل جهت خود بسازند.^{۴۹}

در سال ۱۰۷۰ هـ / ۱۶۵۹-۶۰ م شاه‌عباس دوم فرمان داد، سکنه مجوس و ارمنی را از حومه گبرآباد^{۵۰} بیرون کرده و آنجا را سعادت‌آباد نامید و سپس به آنها، زمینی در منطقه غرب جلفا که به اسامی گبرآباد، سنگتراش‌ها و کوچر معروف است، داد. طبق فرمان شاه‌عباس ثانی، دوپست جریب از اراضی به جماعت مجوس و سی و پنج جریب به جماعت سنگتراش داده شد.^{۵۱}

جمعیت جلفای نو

تخمین رقم جمعیت جلفای نو بر حسب زمان در منابع متغیر می‌باشد:

اسکندریک منشی می‌نویسد:

«الیوم سه هزار خانوار جولاهی در آنجا مقام گرفته، از حوادث زمان امان یافته، از غایت صفا و خرمی مکان، مسکن سابق فراموش کرده‌اند.»^{۵۲}

فیگوئرا جمعیت محلات تبریزی‌ها و جلفا و شهرکی که گبرهای قدیمی یزد و کرمان در آن اسکان کرده‌اند را بر روی هم ۱۰۰۰۰ خانوار می‌داند^{۵۳} و سپس ادامه می‌دهد: «... اما باغها و تاکستانهایی که آنها را احاطه کرده‌اند، فضایی وسیع را در بر می‌گیرد، به طوری که جمعیت آنها بیش از آنچه واقعاً هست، به نظر می‌آید.»^{۵۴}

بر طبق گزارشهای کارملی‌ها در ابتدای قرن ۱۷م، «جلفای نو به صورت شهرکی دارای ۲۰۰۰ خانوار می‌باشد.»^{۵۵}

توماس هربرت که در سال ۱۶۲۸م / ۱۰۳۶ هـ از جلفا دیدن کرده، جمعیت آن را ۱۰۰۰۰ نفر^{۵۶} و آدام اولتاریوس در سال ۱۶۳۷م / ۱۰۴۸ هـ، ۳۰۰۰ خانوار ذکر می‌کند.^{۵۷}

در نیمه دوم قرن ۱۷م / ۱۱۱ هـ، جمعیت جلفا به سبب انتقال آرامنه از داخل شهر بدانجا، رشد زیادی

۴۸- فرمان شماره ۴۱ (کلیسای وانک).

۴۹- ر. ک. فرمان شماره ۵۰. در این فرمان، میزان سهم هر خانوار ارمنی از اراضی مذکور مشخص شده است. در فرمان شماره ۵۲، سه جریب از اراضی ماریانان به انعام به خواجه لتاول فرنگی داده شد.

۵۰- گبرآباد (جنوب پل خواجه) در شرق اصفهان، آن سوی رودخانه زاینده‌رود قرار دارد.

۵۱- ر. ک. فرمان شماره ۵۵، میزان زمینهای توزیع شده بین هر نفر ارمنی، در متن فرمان آمده است.

۵۲- اسکندریک ترکمان، عالم‌آرای عباسی، ج ۲، ص ۶۶۸.

۵۳- فیگوئرا، سفرنامه، ص ۲۲۵.

۵۴- همانجا.

۵۵- گزارشهای کارملی‌ها، ج ۱، ص ۱۳.

۵۶- توماس هربرت، سفر در ایران، ص ۱۳۷.

۵۷- اولتاریوس، سفرنامه، ج ۲، ص ۶۱۴.

۱۵۰۰ خانه وجود داشت.^{۶۸} نظر کاراپتیان با آمار شاردن تطابق دارد.

در یک بررسی تحلیلی از برآورد نظریات نویسندگان فوق که آمارشان بر اساس مشاهدات عینی و به صورت تخمینی است و نه بر اساس شمارش عددی و سرشماری انفرادی و نیز اگر این نکته را فرض کنیم که نویسندگان بعدی در ارائه ارقام از منابع قبلی استفاده نکرده و با توجه به این امر که اگر حد متوسط تعداد خانوارها در ایران قرن ۱۷/ ۱۱ هـ را ۵ الی ۶ نفر تخمین بزنیم، به محاسبه تقریبی ذیل می‌رسیم:

بر اساس ارقام ارائه شده، جمعیت جلفا در ابتدای تأسیس آن ق ۱۷/ ۱۱ هـ بین ۵۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰ بوده، با مهاجرت متعدد ارمنیان به جلفا اواخر حکومت شاه‌عباس و اوایل سلطنت شاه صفی، این رقم به ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ و سپس در نیمه دوم قرن ۱۷/ ۱۱ هـ ایام حکومت شاه‌عباس دوم و انتقال آرامنه از داخل شهر به جلفا، جمعیت آن به ۲۰۰۰۰ نفر و در ریع آخر قرن ۱۷/ ۱۱ هـ حتی به ۳۰۰۰۰ نفر هم رسیده است.

۵۸- تاورنیه، سفرنامه، ص ۴۰۰.

۵۹- به نقل از هوهانیاتس، پیشین، ج ۱، ص ۴۴. آمار استپانوس به نظر اغراق آمیز می‌آید.

۶۰- دولیه دلاند، زیباییهای ایران، ص ۴۷.

۶۱- شاردن، سفرنامه، ج ۴، ص ۱۵۶۷.

۶۲- همانجا.

63- Fryer, John, "A New Account of East India, and Persia, Vol 2 p/252.

۶۴- کمپفر، پیشین، ص ۱۸۶.

65- Brune, Cornelius, "Travels into Muscovy... p/323.

۶۶- لارنس لکهارت، انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه مصطفی قلی‌عماد، ج ۳، تهران؛ مروارید، ۱۳۶۸، ص ۴۶.

۶۷- لرد کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران؛ علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۶۴-۵.

68- Karapetian, Karapet, Esfahan, New Julfa, "The Houses of the Armenians". ISMEO, ROMA, 1974, p/XXIV.

داشته است، به طوری که تاورنیه می‌نویسد: «در این مدت سکنه و آبادی آن به قدری زیاد شده که امروز می‌توان آن را شهر بالنسبه بزرگی دانست.»^{۵۸}

استپانوس هزار جریبی مورخ ارمنی که کتاب خود را از وقایع اوایل سال ۱۶۶۵م / ۱۰۷۵ هـ شروع به نوشتن کرده است، یعنی ۹ سال بعد از انتقال ارمنیان از داخل شهر اصفهان به جلفا، شمار جلفاییان را ۱۲۰۰۰ خانوار ذکر می‌کند.^{۵۹}

دولیه دلاند در سال ۱۶۶۴م / ۱۰۷۴ هـ جلفا را به بزرگی تور و شبیه به آن ترسیم می‌کند.^{۶۰} و شاردن در عین حال که می‌نویسد: «جلفا شاید بزرگترین حومه شهرهای جهان باشد»^{۶۱} لیکن آمار کمتری از تعداد خانوارها، (۳۵۰۰-۳۴۰۰)^{۶۲} ارائه می‌دهد.

کمی بعد، در سال ۱۶۷۷م / ۱۰۸۸ هـ، جان فرایر، تعداد خانوارهای ارمنی را بیش از ۶۳۶۰۰۰ و کمپفر که آمارش به فرایر نزدیک است، میزان جمعیت جلفا را ۳۰۰۰۰ نفر تخمین زده است.^{۶۴}

کرنلیوس دوپروین که در سال ۱۷۰۲م / ۱۱۱۴ هـ از ایران دیدن کرد، جمعیت منطقه قدیم جلفای نو را بالغ بر ۲۰۰۰ خانوار ذکر می‌کند.^{۶۵}

از محققان معاصر، لارنس لکهارت درباره جمعیت آرامنه می‌نویسد: «طبق محاسبه‌ای که به عمل آمده است، تقریباً نیمی از جمعیت کل آرامنه ایران در آن ایام در جلفا واقع در حومه اصفهان متمرکز بوده‌اند، ولی عده‌ای از تجار آرامنه در تبریز و همدان و سایر شهرهای بزرگ مسکن داشته‌اند. چون در آن موقع جمعیت جلفا بین ۳۰ تا ۳۵ هزار نفر بوده است.»^{۶۶}

لرد کرزن به نقل از توماس هربرت، جمعیت آرامنه جلفا را ۱۰۰۰۰ نفر ذکر می‌کند.^{۶۷}

کاراپتیان محقق ارمنی که بر روی تعدادی از خانه‌های باقی مانده از قرن ۱۷م جلفای نو، تحقیق نموده است، می‌نویسد: «جلفای قرن ۱۷م، شهرکی بود به وسعت ۲۳۳ هکتار یا ۵۷۵ ارش که به سختی می‌توانست جمعیت بیش از ۳۵۰۰ خانوار را در خود جای دهد، قسمت بزرگتر شهر که در ابتدای قرن ۱۷م ساخته شده بود، دارای ۲۰۰۰ خانوار و در ناحیه کوچکتر، قسمت جدید شهر، کمی بیش از